

# عوامل فرهنگی وحدت اسلامی با تکیه بر قرآن و حدیث<sup>۱</sup>

جواد اسماعیل نیا<sup>۲</sup>  
نجیمه رضایی<sup>۳</sup>

## چکیده

وحدت و همبستگی، ضرورتی فطری، عقلی، شرعی، سیاسی و اجتماعی است که از مهم‌ترین عوامل حفظ و بقای اجتماع انسانی است و بشر نه تنها برای بقای حیات جمعی، بلکه برای برخورداری از یک زندگی مطلوب، چاره‌ای جز پذیرش آن ندارد. در آیات و روایات اسلامی تأکید فراوانی بر حفظ وحدت و اجتناب از تفرقه از سوی خداوند متعال و همچنین پیامبر اسلام ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام شده است. این وحدت دارای ابعاد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، عبادی و ... است. آنچه در این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، عوامل ایجاد وحدت فرهنگی است. این عوامل عبارتند از: ۱. همبستگی و ارتباط با بلاد اسلامی که خود شامل: همبستگی و ارتباط عالمان دینی و متفکران اسلامی، گفت‌وگوی وحدت بخش فرهنگی، تشکیل اجتماعات بزرگ، ۲. معاشرت نیکو با افراد مختلف که شامل: معاشرت نیکو با مخالفان، جلوگیری از تحریک احساسات و توهین به مقدسات، ۳. شیوه آموزش که شامل مواردی از جمله: تغییر در شیوه‌های آموزشی و منابع درسی مسلمانان در مدارس و دانشگاه‌ها، آگاهی بخشی به جامعه با راه اندازی نشریات و مطبوعات و ...  
واژه‌های کلیدی: وحدت، امت اسلامی، عوامل اجتماعی، قرآن کریم، روایت.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۲

۲. دکتری وهابیت شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، مدیر حوزه علمیه خواهران استان هرمزگان [j.esmaeilnia@chmail.ir](mailto:j.esmaeilnia@chmail.ir)

۳. دانش آموخته سطح ۲ مدرسه علمیه حضرت فاطمه الزهرا علیها‌السلام، شهرستان گله دار فارس

## مقدمه

از مهم‌ترین مسائلی که از بدو خلقت انسان مورد توجه انبیاء عظام الهی بوده و از صدر اسلام به بعد نیز پیامبر اکرم ﷺ و سپس ائمه علیهم السلام بر آن تأکید داشته‌اند، برادری و برابری، یکپارچگی و وحدت امت اسلامی و شکوفایی جامعه بوده است. وحدت و همبستگی، ضرورتی فطری، عقلی، شرعی، سیاسی و اجتماعی است که از مهم‌ترین عوامل حفظ و بقای اجتماع انسانی است و بشر نه تنها برای بقای حیات جمعی، بلکه برای برخورداری از یک زندگی مطلوب، چاره‌ای جز پذیرش آن ندارد. خداوند متعال در قرآن کریم مسلمانان را به اتحاد و الفت با یکدیگر دعوت کرده است: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳). پیامبر خدا ﷺ نیز مسلمانان را به حفظ وحدت و پرهیز از تفرقه سفارش کرده است و می‌فرماید: «ای مردم با جماعت باشید که دست خدا با جماعت است و هرگز متفرق نشوید» (متقی هندی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۰۶).

امیرمؤمنان علی علیه السلام که در سایه‌ی مکتب پیامبر ﷺ تربیت یافته و دستورات اسلامی را از ایشان فرا گرفته است، تکامل مادی و معنوی امت اسلامی را در انسجام و اتحاد می‌دانسته و با رفتارهای سیاسی، اجتماعی و مذهبی خویش، در صدد اتحاد هرچه بیش‌تر جامعه اسلامی با هدف از میان برداشتن شکاف امت‌ها و یا آماده‌سازی راه رشد آن‌ها بوده است. در جوامع امروزی که استکبار جهانی با تمام توان، جهان اسلام و برخی کشورهای اسلامی را نشانه گرفته، موفقیت مسلمانان در گرو توجه به همبستگی و وحدت اسلامی است. با مراجعه به قرآن کریم می‌توان جمیع انحرافات فکری، اعتقادی و عملی مسلمانان را که به وسیله بیگانگان مفسد و مغرض یا به دلیل جهل برخی مسلمانان و یا هر عامل دیگری در طول تاریخ پدید آمده است، تشخیص داده و راه درست را شناسایی کرد. از طرفی گرچه وحدت‌گرایی امری فطری است، اما امور فطری نیازمند پرورش و توجه می‌باشند و بی‌توجهی و عدم اهتمام به این مهم، موجب عدم شکوفایی و یا در معرض تندبادهای روزگار قرار گرفتن آن می‌شود. بنابراین، وحدت از مسائل بسیار مهمی است که هم در آیات، هم در روایات و هم در کلام بزرگان بر آن تأکید بسیار شده است. نویسندگان در این مقاله عوامل ایجاد وحدت فرهنگی را مورد بحث و بررسی قرار داده

است؛ امری که نظر به اهمیت و ضرورت آن در امت اسلامی مورد توجه شایسته اهل تحقیق قرار نگرفته است. آثار نزدیک به عنوان پژوهش نظیر کتاب *وحدت اسلامی، بیداری اسلامی* نوشته محمد حسین امیر اردوش (انتشارات ادیان و مذاهب؛ ۱۳۹۳) به صورتی در خور به دو مقوله وحدت اسلامی و بیداری اسلامی در حوزه گسترده و پیشینه تاریخی آن در دوران معاصر یا جنبش اتحاد اسلام پرداخته است. کتاب *وحدت اسلامی در نگاه اهل بیت* نوشته شیخ حسین الراضی عالم عربستانی (انتشارات دفتر نشر معارف) به بیان برخی عوامل اختلاف امت، نقش پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام در برقراری اتحاد میان مسلمانان، تلاش امام حسن علیه السلام و نقش امام حسین علیه السلام در وحدت مسلمانان و سایر موارد مرتبط پرداخته است. هم چنین مقاله «وحدت و اتحاد در بین مسلمانان از دیدگاه قرآن و اسلام» به قلم افشین خلیلی و فریدون کیانی قلعه سردی (۱۳۹۴)، تهران، وحدت و اتحاد در بین مسلمانان از دیدگاه قرآن و اسلام، سومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، مقاله «مبانی و مبادی نظری تعامل بین مذاهب و فرق»، نوشته محمد آصف محسنی (فصلنامه تخصصی مذاهب و فرق اسلامی، سال چهارم، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۸۴)، و «وحدت اسلامی؛ ضرورت و مبانی» نوشته حسین هاشمی (فصلنامه علمی - پژوهشی، سال پنجم، شماره ۱۷، کابل، بهار ۱۳۸۶ش) نیز از جمله پژوهش‌های انجام شده در باب مقوله وحدت هستند؛ اما موضوع مورد توجه در این پژوهش مورد بحث و بررسی هیچ‌یک از موارد مذکور واقع نشده است.

## ۱. مفهوم‌شناسی

در این مجال مناسب است به تبیین واژگان کلیدی تحقیق پرداخته شود.

### ۱.۱.۱. امت

امت در لغت به معنای جمعی از علما، قصد و ملت آمده است (قرشی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۱۸). این واژه از مصدر ام، یومُّ مرادف قَصَدَ، یَقْضُدُ است. اطلاق «أم» بر مادر نیز بدان جهت است که کودک در زمینه نیازمندی‌های خود یا به جهت احساس آرامش قصد او را می‌کند در اصل ملجأ بودن مادر نسبت به فرزند در آن مطرح است. در اصطلاح منظور از واژه

امت جماعتی است که قصد مشترک و نظر مشترک دارند. در این خصوص راغب اصفهانی آورده است: «امت جماعتی است که یک چیز مثل دین یا زبان و یا مکان آن‌ها را جمع کند» (عبدالباقی، ۱۳۹۱: ص ۱۱۶).

از نظر اسلام، «امت» مهم‌ترین ملاک تقسیم بندی جوامع بشری است، از این رو این واژه اصطلاحی قرآنی و دینی است که هم زمان با دین اسلام رواج یافته است. امت در تعبیر و اصطلاح قرآنی، گروهی همسان در دین، آیین، زمان و مکان و دیگر مشترکات انسانی است و مراد از امت اسلامی، گروه وسیعی از مردم است که تحت رهبری و هدایت مشترک بوده و به سوی هدف و قبله‌ای واحد در حرکتند. پس مفهوم «امت» را می‌توان مفهومی عقیدتی دانست. در آیات قرآن نیز این واژه ذکر شده است که دال بر وحدت مسلمانان است. برای نمونه ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ...﴾ (بقره: ۱۴۳)؛ و همان‌گونه (که برای شما قبله مستقل تعیین کردیم) شما را گروه و امتی میانه (معتدل میان افراط و تفریط) قرار دادیم، تا شما (در روز قیامت) بر مردم گواه باشید.

## ۲.۱. وحدت اسلامی

وحدت در لغت به معنای سازش، موافقت (سیاح، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۱۵۲)، الواحده؛ ضد الكثره (معلوف، ۱۳۸۰: ص ۸۹۰)، و الإنفراد (معین، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۷۰)، دست تنها، به تنهایی آمده است. در اصطلاح مراد از وحدت؛ پیوستگی چند فرد یا چند گروه و یا چند دولت در امری به وسیله‌ی قراردادی است که منعقد می‌سازند. (همان) قرآن کریم در آیه ۴۶ سوره انفال، عامل اطاعت و وحدت را بیان کرده است:

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَزَعُوا فِتْفَشُلُوا وَتَذَهَبَ رِيحُكُمْ وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (انفال: ۴۶)؛ «و از خدا و فرستاده او (در فرامین مولوی آن‌ها) فرمان برید و با هم نزاع و ستیزه مکنید که سست و بیمناک می‌شوید و تسلط و حکومتتان از میان می‌رود و نسیم پیروزی بر شما نمی‌ورزد. و شکیبایی کنید، که همانا خدا با شکیبایان است».

بنابراین مذاهب بایستی مشترکات را گرفته و در مسائل اختلافی هرکس به عقیده خودش عمل کند و همه در برابر دشمن مشترک که همواره درصدد اختلاف و نزاع و نابودی مسلمانان گام برمی‌دارد، متحد شوند (موسوی، ۱۳۹۰: ص ۱۷).

وحدت اسلامی به معنای در یک قالب ریختن همه‌ی اندیشه‌ها و سلیقه‌ها و مانند آن نیست؛ بلکه به معنای پاسخ به برنامه‌های از پیش تعیین شده‌ی اسلامی و ایجاد امتی است که میان این دو خط اساسی، تعادل لازم را ایجاد کند: خط نخست، اختلاف‌های طبیعی میان سلیقه‌ها، امکانات و سطح دانش، دیدگاه‌ها، فرهنگ‌ها، دلایل و نحوه‌ی استنباط و باورهای تحقیقی و دیگر مواردی که به‌طور طبیعی اختلاف‌انگیزند و علمای بزرگوار ما از قرن‌ها پیش از آن‌ها، درباره‌ی آن بحث و بررسی نموده‌اند. خط دوم، لزوم اتخاذ موضع یکسان در عرصه‌های متعدد است که مهم‌ترین آنها بدین شرح است:

الف) اصول اولیه‌ی اسلام که در شمار بدیهات اسلام هستند و باید عرصه‌ی مشترک فکری (میان مسلمانان) را تشکیل دهند.

ب) اخلاقیات عمومی که دیگر ویژگی مشترک مسلمانان تلقی شده و فراتر از آن همه‌ی ویژگی‌های عمومی امت اسلامی را در بر می‌گیرد؛ مسلمانان همگی باید بکوشند هم خود و هم امت خود را، به این ویژگی‌های اخلاقی، بیارایند.

ج) تطبیق شریعت اسلامی بر تمامی زندگی که شاید بتوان آن را از بدیهیات فقهی اسلام و برنامه‌های حیاتی تلقی کرد که همه‌ی پیامبران آن را مطرح کرده و درصدد آماده‌سازی بشریت برای پذیرش و اجرا آن بوده‌اند.

د) موضع سیاسی مشترک در برابر مسائل جهانی به خصوص در مقابل دشمنان یعنی مشرکان، منافقان و مستکبران و کوشش به منظور دفاع از ساحت اسلام (تسخیری، ۱۳۸۳، ص ۵۱).

## ۲. وحدت از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام

وحدت از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام به معنای نبود تفرقه، نفاق، درگیری و کشمکش است. ایشان معتقدند اگر در کشورهای اسلامی از بروز تفرقه و درگیری در لایه‌های مختلف

بین مسلمانان جلوگیری شود و از نفاق و دورویی که نیروهای سلطه‌گر به عنوان ابزاری در جهت تسلط بر جوامع اسلامی بهره می‌برند ممانعت به عمل آید؛ وحدت در بین امت اسلامی، انسجام و یکپارچگی را به ارمغان می‌آورد (قاسمی، ۱۳۹۲، دوره ۵، شماره ۹).

از منظر ایشان در مسأله وحدت دو نکته و جهت‌گیری وجود دارد که هر کدام از این دو مؤلفه دارای جایگاه ویژه‌ای است که عبارتند از:

۱. رفع اختلافات، تناقض‌ها، درگیری‌ها که از قرن‌ها پیش تا به امروز در بین فرق مسلمانان جریان داشته و عواقب بسیار زیادی را در پی داشته است.

۲. وحدت باید در جهت و خدمت به حاکمیت اسلام حرکت کند و الاپوچ و بی‌معنی خواهد بود. با توجه به آیه ۶۳ سوره نساء «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رُسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ»، پیامبر ﷺ آمد تا مورد اطاعت قرار بگیرد و جامعه و زندگی را هدایت کند، نظامی را تشکیل بدهد و انسان‌ها را به سمت اهداف زندگی درست پیش ببرد، پس اگر علمای اسلام به آن چه قرآن کریم در بیان هدف از بعثت انبیا برای رفع ظلم، و اقامه عدل برای زندگی بشر، آورده است باور دارند، پس باید به دنبال حاکمیت اسلام در جوامع اسلامی باشند که امری ممکن است (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با مسئولان لشکری و کشوری شرکت‌کننده در کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۶۹). از این رو وحدت از منظر آیت‌الله خامنه‌ای یک امر استراتژیک است که بر طبق آن تمام احاد امت اسلامی را به دوری از فتنه‌ها و اختلافاتی که دشمنان اسلام و مسلمین آن را برای ملل اسلامی به بار آورده‌اند دعوت کرده و به وحدت و انسجام ذیل دستورات و آموزه‌های قرآن کریم و ارادت به پیامبر ﷺ فرامی‌خواند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ﷺ علاج و داروی اصلی برای امروز دنیای اسلام را داروی «اتحاد» دانسته و بیان داشته‌اند:

«علما و روشنفکران اسلام باید بنشینند و منشور وحدت اسلامی را تنظیم کنند تا فلان آدم کج فهم متعصب و وابسته‌ی به این، یا فلان، یا آن فرقه‌ی اسلامی، نتواند آزادانه جماعت کثیری از مسلمانان را متهم به خروج از اسلام کرده و تکفیر کند. تهیه‌ی منشور جزو کارهایی است که تاریخ، امروز از

روشنفکران و علمای اسلامی مطالبه می‌کنند. باید اصول را بر فروع ترجیح داد. در فروع ممکن است افراد یک مذهب هم با همدیگر اتحاد نظر نداشته باشند؛ که مانعی ندارد، چرا که مشترکات بزرگی وجود دارد؛ گرد این محور- محور مشترکات - همه مجتمع شوند. مواظب توطئه‌ی دشمن باشند؛ مواظب بازی دشمن باشند. خواص، بین خودشان بحث‌های مذهبی را نکنند، اما به مردم نکشانند؛ دل‌ها را نسبت به یکدیگر چرکین نکنند؛ دشمنی‌ها را زیاد نکنند؛ چه بین فرقه‌های اسلامی، چه بین ملت‌های اسلامی، چه بین گروه‌های اسلامی در یک ملت» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۶۸ / ۱/۱۷).

### ۳. اهمیت و ضرورت وحدت از منظر اسلام

در اسلام وحدت اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. قرآن در ضمن آنکه همگان را به همگرایی و همبستگی فراخوانده است؛ از وحدت اسلامی به عنوان نعمت یاد کرده و اختلاف را در ردیف عذاب الهی قرار داده است. در آیه ۱۰۳ آل عمران «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» به اتحاد مسلمان دستور داده شده است. همچنین آیه ۶۵ انعام «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْضِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُم بَأْسَ بَعْضٍ انظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ» برای تفرقه عذابی عظیم را وعده داده است. امام علی علیه السلام همبستگی را زمینه ریزش فیض الهی دانسته (معادی خواه، ۱۳۷۲: ج ۱، ص ۸۵؛ شریف رضی، ۱۳۷۹: خطبه ۱۷۵) و وحدت را یکی از ارمان‌های بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بیان می‌نماید (معتزلی، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۹۳). ایشان خود را شیفته و حریص‌ترین انسان‌ها نسبت به وحدت اسلامی دانسته و عزتمندی، موفقیت و ذلت امت‌های گذشته را مبنی بر همگرایی و اختلاف بیان کرده و فرموده است:

«اگر بیندیشید در تفاوت احوال آنان در زمان خوشی و رفاه و زمان سختی،

آنگاه لازم می‌شود بر شما که به سراغ عواملی بروید که باعث عزت و اقتدار آنان شد و دشمنانشان را از آنان دور کرد و عافیت و سلامت برایشان آورد... و آن عبارت است از پرهیز از تفرقه و اهتمام به الفت و محبت و توصیه و تشویح بر همگامی و همبستگی. بنگرید آنان چگونه بودند هنگامی که جمعیت‌هایشان متحد، خواسته‌ها متفق، قلب‌ها و اندیشه‌ها معتدل، دست‌ها پشتیبان هم، شمشیرها یاری‌کننده یکدیگر، دیده‌ها نافذ و عزم‌ها و هدف‌ها همه یکی بود؛ آیا زمامدار و پیشوای همه جهانیان نشدند؟! از آن طرف پایان کار آنان را نیز بنگرید، آن هنگام که پراکندگی در میان آنان واقع شد، الفتشان به تشتت گرایید، اهداف و دل‌ها اختلاف پیدا کردند، به گروه‌های متعددی تقسیم شدند و در اثر پراکندگی، باهم به نبرد برخاستند. (در این هنگام بود) که لباس کرامت و عزت از تنشان بیرون شد و وسعت و نعمت از آنان سلب شد و تنها سرگذشت آنان در میان شما باقی مانده که مایه عبرت برای عبرت‌گیرندگان است» (همان: ۹۴).

#### ۴. عوامل فرهنگی وحدت اسلامی

در آیات و روایات فراوانی بر حفظ وحدت و اجتناب از تفرقه از طرف خداوند متعال و همچنین پیامبر اسلام ﷺ به مسلمانان تأکید شده است. وحدت و همگرایی هدفی عالی و آرمانی است که باید به خوبی تبیین شود و در جامعه اسلامی تحقق یابد، اما باید دانست که تحقق این هدف، با تدبیری آگاهانه، تصمیمی دلسوزانه و تلاش مسئولانه تمامی عالمان و حاکمان و نیز با همکاری عموم مردم امکان پذیر است؛ از این رو لازم است برای رسیدن به این هدف عالی کاری عمیق و تلاشی دوباره صورت گیرد و برای تحقق آن در جامعه راهکارهای وحدت آفرین ارائه شود؛ چرا که بدون تحقیق در این باره نمی‌توان به مبانی و عوامل وحدت آفرین آن پی برد و شاهد تحقق و گسترش آن در جامعه شد. در ادامه، به بررسی مهم‌ترین عوامل فرهنگی وحدت آفرین در بین مسلمین پرداخته شده است.



#### ۱.۴. همبستگی و ارتباط در بلاد اسلامی

ابعاد این همبستگی به شرح ذیل است.

##### ۱.۱.۴. همبستگی و ارتباط عالمان دینی و متفکران اسلامی

در راستای سازماندهی درجات علمی و وظایف عالمان؛ ایجاد مرکزیت دینی و گفتمانی، ایجاد تشکیلاتی نظیر جمعیت سزّی عروه، تقویت دارالتقربها و تشویق و حمایت مالی آنان به منظور برپایی نشست‌های علمی دوستانه و صمیمی، از جمله اقدامات عملی مناسب در جهت وحدت بخشی جوامع اسلامی است (مهرنیا، ۱۳۹۶: ص ۳۴).

##### ۲.۱.۴. گفت‌وگوی وحدت بخش فرهنگی

برای گسترش ارتباطات جهانی در کشورهای اسلامی، گفت‌وگوهای متفکران اسلامی در زمینه‌های متنوع فرهنگی می‌تواند کارآمدترین و بهترین راهکار برای تبدیل فرهنگ مشاجره و اختلاف به مصالحه و تفاهم باشد. بنابراین آن چه می‌بایست بر آن تأکید شود، فراهم کردن زمینه گفت‌وگوی فرهنگی و تأکید بر توسعه روابط فرهنگی با ماهیتی اسلامی است. گرچه زمینه‌سازی لازم برای گفت‌وگوی مستقیم اندیشمندان و صاحب‌نظران برجسته جهان اسلام فراهم شده تا گام‌های مهم و اساسی در خصوص وحدت اسلامی برداشته شود، اما هنوز آن وحدت و همدلی مورد نظر فراهم نشده است.

از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، جمهوری اسلامی همواره با تمام توان، ندای وحدت و همبستگی را برای وحدت بخشی به امت واحده اسلامی سر داده و گام‌های عملی مهمی را برای تحقق این هدف والا و ارزشمند برداشته است؛ اما آنچنان که باید و شاید درباره‌ی مبرم‌ترین نیاز جامعه اسلامی که پرداختن به عوامل و عناصر فرهنگی تشکیل دهنده‌ی وحدت است، به نتیجه مشخص و قابل قبولی نرسیده است. لازم است تا نقطه‌ی کور عدم همراهی برخی از کشورهای اسلامی در این مسیر بررسی شود و این امر تنها از راه جدال احسن یا بهره‌مندی از شیوه گفت‌وگوی فرهنگی با نخبگان اسلامی فراهم می‌شود. مقدمه و مسیر رسیدن به اشتراکات فرهنگی و کنار گذاشتن اختلافات و افتراقات، گفت‌وگوست که ابزاری برای پیوستگی و ارتباط نخبگان فرهنگی مسلمان است تا با

همبستگی فکری فاصله‌ی اختلاف میان مسلمانان را کم کرده و به حداقل برسانند. بی‌تردید، نزدیکی و همگرایی نخبگان اسلامی، زمینه‌ی هموار شدن کاهش اختلاف‌های کشورهای اسلامی و دستیابی به یک وحدت اصولی و هدفمند را فراهم خواهد کرد و دستیابی به انسجام اسلامی بدون پرداختن به یک قاعده فرهنگی و شکل‌گیری زیرساختی فرهنگی در کشورهای اسلامی منطقه به مرز عینیت نمی‌رسد و ممکن نخواهد بود. مقابله با دشمن مشترک تنها هدف گفت‌وگو نیست؛ بلکه اصل مهم، زندگی مسالمت‌آمیز امت اسلام است. اندیشه گفت‌وگوی وحدت‌بخش فرهنگی با توجه به واقعیت‌های موجود جهانی زمینه مناسبی را برای کاوش مشترک در دستیابی به فهم و امکاناتی افزون‌تر فراهم می‌کند. با مشارکت کشورهای اسلامی در گفت‌وگویی فرهنگی، اندیشه‌ای مشترک شکل می‌گیرد که همه در کنار همدیگرند نه در مقابل هم. برای پیشبرد پیروزمندانه و هدفمند این طرح، ضرورت برانگیختن تمایل کشورهای اسلامی به شناخت و فهم یکدیگر می‌بایست مد نظر قرار گیرد و این امر در سایه‌ی همکاری و همدلی نخبگان فرهنگی کشورهای اسلامی و تسری فرهنگ گفت‌وگوی فرهنگی در جهان اسلام میسر خواهد بود (سجادی، ۱۳۹۱، ص ۴۱).

#### ۳.۱.۴. تشکیل اجتماعات بزرگ علمی

از دیگر راه‌های ایجاد وحدت اسلامی، تشکیل اجتماعات بزرگ اسلامی و نشست‌های نقد و مناظره علمی است. البته به منظور جلوگیری از ایجاد حساسیت‌های احتمالی و پرهیز از شائبه دولتی و جهت دار بودن این نشست‌ها، بهتر آن است که اداره‌کنندگان این مجامع، دولت‌ها نباشند و این نشست‌ها از طریق ارگان‌ها و سازمان‌های غیردولتی و یا مجامع علمی و دانشگاهی برگزار شود. باید بتوان در این نشست‌ها و مجامع بدون آنکه موضوع یا ایده و تفکری خاص به حصار دیکته شود، از همه‌ی ادیان جهان و دست‌کم از همه‌ی فرق دینی مسلمانان دعوت به عمل آورد تا صادقانه و بی‌طرفانه مسائلی را که محل اختلاف و نزاع است، مورد بررسی و واکاوی قرار دهند. در این نشست‌ها باید با الهام از این حدیث گرانقدر معصومین علیهم‌السلام، «كُونُوا دُعَاءَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلِسِنِّتِكُمْ» (کلینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۰۵)،

این امکان فراهم شود تا افراد بتوانند آزادانه حتی دیدگاه‌های نادرست و تعصب‌آمیز خویش را بیان کنند و کسی متعرض آنان نشود.

البته به منظور ثمربخش بودن این همایش‌ها و تبادلات علمی، باید در پایان این نشست‌ها مراکزی در هر یک از کشورهای اسلامی تأسیس شود که ضمن بهره‌گیری از صندوق مالی غیر دولتی مشخص و پیروی از سازوکارهای اداری واحد، پیگیری مصوبات این نشست و نتایج آن را که قانداً نباید به گروه و جماعت خاصی تعلق داشته باشد، از اهم فعالیت‌های خود بدانند.

#### ۴.۱.۴. هجرت به بلاد اسلامی برای کسب دانش

هجرت به بلاد اسلامی برای کسب علم و دانش، بجای سفر به کشورهای بیگانه، و استفاده از توان علمی یکدیگر و ارائه بورس‌های تحقیقاتی و پژوهشی برای دانشمندان مسلمان می‌تواند راه دیگری برای ایجاد وحدت اسلامی باشد، اما افزون بر لزوم توجه جدی به این عوامل و مؤلفه‌های عملی، توجه به راهکارهای نظری وحدت بخش جوامع اسلامی نیز ضرورت دارد و نباید از آن غفلت نمود.

#### ۵.۱.۴. احیای زبان عربی در بلاد اسلامی

بهترین وسیله برای ایجاد وحدت بین‌المللی بین مسلمانان، که از بزرگترین آرزوهای متفکران و اندیشمندان این عصر است، ایجاد یک زبان بین‌المللی است. مسلمانان در سرتاسر عالم اسلام با اینکه در زبان، اخلاق و عادات با هم تفاوت دارند، اما در یک امر اشتراک و وحدت دارند و آن زبان قرآن است. این امر بهترین وسیله‌ای است که می‌توان با آن وحدت اسلامی را مستحکم کرد (حرانی، ۱۳۹۵: ص ۳۴). گرچه ممکن است احیای زبان عربی در بلاد اسلامی برای همه دولت‌ها امکان‌پذیر نباشد، اما می‌تواند به وحدت جوامع اسلامی کمک کند. کشورهای مسلمان غیر عرب می‌توانند از زبان عربی که زبان قرآن است به عنوان زبان دوم کشور خود استفاده کنند؛ به گونه‌ای که در تعاملات فکری و فرهنگی یا اقتصادی و نظامی و نظایر آن مشکلی در تفهیم و تفاهم نداشته و نیازی به مترجم نداشته باشند. البته این سخن با یادگیری سایر زبان‌ها به خصوص زبان انگلیسی منافاتی ندارد.

اگر قرار است در میان مسلمانان جهان صنعت توریسم اسلامی شکل گرفته، رفت و آمدها آسان، و تبادلات علمی و فرهنگی و نظایر آن استمرار یابد، پس چاره‌ای جز این نیست که زبان مشترکی میان آنها وجود داشته باشد که همگی بتوانند بدان زبان تکلم کنند (همان، ص ۳۵). بنابراین زبان عربی رشته‌ای است که ملل اسلامی را به هم پیوند می‌دهد و نقش مهمی در وحدت ایفا می‌کند. پس لازم است در حفظ و یاد آن کوشید.

#### ۶.۱.۴. ترجمه دانش‌های مختلف به زبان عربی

ترجمه علوم و دانش‌های مختلف به زبان عربی، کاری است که از دوران ایران باستان و عصر ساسانی و به خصوص در دهه‌های آغازین شکل‌گیری اسلام و خلافت عباسی آغاز شده بود. همچنین اقدام مجدد در جهت تأسیس دارالترجمه و بیت الحکمه‌ها می‌تواند در برگردان تراث عظیم فرهنگی و تمدنی اسلام به زبان واحد، و همچنین آثار سایر ملل و فرهنگ‌ها به زبان عربی مثمر ثمر واقع شده و در رشد و تعالی علمی و فرهنگی مسلمانان نقش مثبتی را ایفا کند (ابن خلدون، ۱۳۹۱: ج ۱، ص ۴۴۶).

#### ۷.۱.۴. چنگ زدن به ریسمان الهی

تمسک به حبل الله، در حقیقت همان چیزی است که عموم مسلمانان به آن مکلف هستند و در واقع گردآمدن صاحبان سلیقه‌ها و روش‌های گوناگون حول محور اسلام، همان اعتصام به حبل الله است (میرجلیلی، ۱۳۹۳: ص ۷). قرآن کریم در صریح‌ترین آیه خود در زمینه‌ی دعوت به اتحاد، همه مؤمنان را به چنگ زدن به ریسمان الهی و پرهیز از تفرقه خوانده است: «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا» (آل عمران: ۱۰۳)؛ و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید. در این که مقصود از ریسمان الهی چیست، مفسران اختلاف نظر دارند؛ قرآن، کتاب و سنت، دین الهی، اطاعت خداوند، توحید خالص، ولایت اهل بیت علیهم‌السلام و جماعت، وجوهی است که در تفسیر آن گفته شده است. برخی نیز مفهوم حبل الله را شامل همه این معانی دانسته‌اند (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۶: ج ۲، ص ۸۸). با مراجعه به متون تفسیری و همچنین احادیث که از منابع تفسیر قرآن کریم می‌باشند؛ به نظر می‌رسد که نزدیک‌ترین تفسیر برای این واژه، «قرآن» است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۳،

ص ۵۷۲)، چنانکه در روایتی از پیامبر ﷺ، قرآن، ریسمان الهی کشیده شده میان آسمان و زمین معرفی شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۹۷، ص ۳۴۴). علاوه بر حدیث یاد شده، قرآن کریم خود از مؤمنان خواسته است تا در اختلافات خویش، به خداوند رجوع کنند: «فَإِنْ تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ» (نساء: ۵۹). رجوع الی الله در کلام حضرت امیر ﷺ به رجوع به قرآن تفسیر شده است: «رجوع به خداوند تبارک و تعالی به این است که طبق کلام او و کتاب او حکم نماییم» (بن موسی، ۱۳۷۹: ص ۴۴۵).

#### ۸.۱.۴. توجه به هفته وحدت

از آن جایی که برخی از اهل سنت ۱۲ ربیع الاول و شیعیان ۱۷ ربیع الاول را تاریخ ولادت پیامبر گرامی اسلام ﷺ دانسته و جداگانه به برگزاری مراسم این روز بزرگ و تجلیل از آن می‌پرداختند، به جهت نامگذاری هفته وحدت بین این دو تاریخ از سوی امام خمینی رحمته الله علیه، نه تنها این عامل اختلاف، خود به عامل وحدت تبدیل شده، بلکه فرصت مناسبی ایجاد کرده است تا همه ساله به مدت یک هفته، اندیشمندان و پیروان این دو مذهب در کنار یکدیگر جمع شوند و با تکیه بر نقاط اشتراک خویش به بحث و بررسی پرداخته و بر وسعت دامنه وحدت اسلامی بیافزایند (اماندادی قطب‌آبادی، ۱۴۰۰: شماره ۳۶، ص ۵۵). پس توجه به هفته وحدت عامل بسیار مهمی در ایجاد وحدت اسلامی است.

#### ۹.۱.۴. تبلیغ کردن برای وحدت اسلامی

یکی از خدمات‌هایی که دشمنان به ما می‌کنند، این است که به ما نشان می‌دهند در تبلیغ روی چه نقاطی باید متمرکز شویم. امروز همه‌ی دستگاه‌های تبلیغی دشمن دست به دست هم داده و تبلیغات خود را بر روی چند نقطه متمرکز کرده‌اند که در رأس آن‌ها نیز تبلیغات صهیونیست‌هایی است که سرمایه‌داران بزرگ کشورهای آمریکا را تشکیل می‌دهند و بر سیاست آن کشور مسلط‌اند. اگر تبلیغات دشمنان اسلام را بررسی کنیم، مشاهده خواهیم کرد که، در مورد کشور ما بر روی چند نقطه متمرکزند: نقطه اول؛ اختلاف و تفرقه بین شیعه و سنی؛ همان داستان قدیمی «تفرقه بینداز، حکومت کن»، همان درد و بلای عمده‌ای که از قدیم در جان ملت‌ها می‌افتاده است. نقطه دوم؛ تیره و تار و مبهم

جلوه دادن آینده است. سعی دشمن این است که نشان دهد آینده مبهم و تیره و تار است و معلوم نیست که چه خواهد شد و به کجا می‌رسند. وظیفه مبلغ دین و مبلغ معنویت و پیام‌آور حقیقت این است که، مردم را امیدوار کرده و یأس را از آن‌ها دور کند. یأس، بزرگترین دشمن یک ملت است و باید سعی و تلاش گردد که از مردم زدوده شود (اماندادی قطب آبادی، همان، ص ۵۶).

#### ۲.۴. معاشرت نیکو با افراد مختلف

در راستای دستیابی به وحدت، معاشرت با گروه‌های ذیل در خور توجه است.

##### ۱.۲.۴. معاشرت نیکو با مخالفان

در سیره و رفتار ائمه علیهم‌السلام با سایر مسلمانان آنچه به وضوح دیده می‌شود، معاشرت و مدارای بسیار و بر پایه اخلاق پسندیده اسلامی است. این تلاش‌ها در راستای رشد و تقویت بنیان‌های اخلاقی و حفظ برادری صورت می‌گرفت علاوه بر اینکه کمک بسیاری در جهت همبستگی و وحدت میان مسلمانان به حساب می‌آید، راهکاری عملی برای همه زمان‌ها و همه مسلمانان است. در تعالیم ائمه علیهم‌السلام توصیه‌های فراوانی نسبت به برادری دینی و هم‌زیستی اجتماعی با پیروان مذاهب مختلف دیده می‌شود. در جوامع حدیثی و روایی شیعه، بابی با عنوان «باب مدارا» دیده می‌شود که در آن برای آداب معاشرت باهم‌نوعان دستوراتی داده شده و به‌ویژه در برخورد با مخالفان مذهبی راهکارها و نمونه‌هایی ارائه گردیده است (مجلسی، ۱۳۸۴: ج ۲، ص ۶۲). بر همین اساس، ائمه علیهم‌السلام همواره تلاش می‌کردند، در برخورد هدایت‌گرایانه با دیگران از پرخاشگری و ناسزاگویی، حتی نسبت به دشمنان و مخالفان بپرهیزند. هیچ موردی از ناسزاگویی و بکار بردن کلمات ناشایست توسط آنان حتی نسبت به سرسخت‌ترین مخالفان گزارش نشده و هیچ‌گاه ناسزاگویی مخالفان و دشمنان سرسخت خود را با ناسزاگویی پاسخ نمی‌دادند.

بدون تردید، ایجاد روابط سالم و پسندیده در افراد جامعه، موجب اعتماد و اتحاد آنان خواهد بود. گسترش اخلاق اسلامی و فضایل انسانی، محبت، صمیمیت و اعتماد عمومی

را در بین افراد رواج می‌دهد و بدون کمترین مشکلی همبستگی ملی را به وجود می‌آورد. در جامعه‌ای که معاشرت صحیح و آداب انسانی در میان اقشار مختلف و لایه‌های درونی آن نفوذ یافته باشد، وحدت و همبستگی حقیقی محقق خواهد شد، همه به همدیگر عشق می‌ورزند و از حقوق یکدیگر محافظت می‌کنند و همانند اعضای یک پیکر منسجم و هماهنگ زندگی خواهند کرد. اساساً وحدت بر محور ارزش‌های والای انسانی مستحکم و قوی بوده و پایدار خواهد ماند، اما همبستگی بر ارزش‌های موقتی و ساختگی و غیرالهی ناپایدار و زودگذر است. در این فضای الهی خودخواهی‌ها از میان رفته و به همکاری و همیاری بدل می‌شود. امیرمؤمنان علی علیه السلام ریشه تفرقه را وجود صفات زشت انسانی و ردائیل اخلاقی بیان می‌کند (ر.ک: نهج البلاغه، حکمت ۱۱۳).

پس دوستی و محبت از مؤلفه‌های وحدت و همگرایی در جامعه ایمانی است و بدیهی است هر چیزی که به تعمیق محبت و تحکیم پیوند برادری کمک کند، در حقیقت، به استواری وحدت و همگرایی در جامعه خودی کمک کرده است. رعایت ادب معاشرت از جمله عواملی است که به تحکیم محبت می‌انجامد و ادامه‌ی ارتباط با دیگران را ممکن می‌سازد (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ج ۳، ص ۲۲۰). اسلام برای تحکیم وحدت در جامعه، به هر کاری که هم‌گرایی اجتماعی را استوار سازد و مودت دو سویه را افزایش دهد، سفارش کرده است. خوش‌رویی (کلینی، بی‌تا، ص ۱۰۳؛ عاملی، ۱۳۸۱: ص ۴۳۴)، خوش‌گمانی، حرمت‌گذاری، دگر دوستی، حفظ حقوق، سلام کردن، دست دادن و مانند آن از جمله این کارهاست.

#### ۲.۲.۴. جلوه‌گیری از تحریک احساسات و توهین به مقدسات

بی‌گمان یکی از عوامل وحدت بخش، بلکه از مهم‌ترین آن، احترام به مقدسات صاحبان مذاهب و مواظبت بر رعایت ادب در گفتار در ذکر نام آن‌هاست. این اصل عقلایی است که آنچه را بر خود نمی‌پسندی بر دیگران مپسند. اگر ما نمی‌خواهیم به بزرگان، علما و دانشمندان ما بی‌ادبی شود، دیگران نیز چنین خواسته‌ای دارند. قرآن کریم این اصل را حتی درباره بت پرستان و کسانی که به جز خدا را می‌پرستند مطرح می‌کند: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ» (انعام: ۱۰۸)؛ و آن‌هایی را که جز خدا را

می خوانند، دشنام مدهید که آنان از روی دشمنی و به نادانی خدا را دشنام خواهند داد. وقتی خداوند درباره غیرمسلمانان چنین می گوید، این اصل درباره شخصیت های مورد احترام در میان مسلمانان بیشتر صادق است که نباید زمینه اختلاف و کینه و تحریک احساسات را فراهم کرد. شاهد روایی بر همین معنا، روایتی از امام رضا علیه السلام است که در آن (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۰۴) هدف از وضع روایاتی که به اختلاف دامن می زده اند؛ تشدید درگیری و مخالفت و تحریک احساسات و ایجاد دشمنی با اهل بیت علیهم السلام بوده است. قرآن در یک منشور محکم اخلاقی می گوید: «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا» (اسراء: ۵۳)؛ به بندگان من بگو نیکوترین سخن را بگوئید و خوب بنزید، همانا شیطان در دل ها وسوسه می کند و از آغاز دشمن آشکار انسان بوده است و مسلم است که ناسزاگویی سبب فتنه و عداوت می شود. این موارد فوق نشان می دهد این تعامل ها تا چه حدی در جهت کاهش دادن اختلاف ها و توجه به وحدت مؤثر بوده است (هاجری، ۱۳۹۵، ص ۱۵).

#### ۳.۲.۴. حریت و برادری

قرآن مجید در آیات متعدد تذکر داده است که خالق تمام موجودات یکی است (برای نمونه، نساء: ۱). از جمله فایده های این تذکر این است که انسان بفهمد تنها بنده خداست و از قید اطاعت و بردگی دیگران آزاد است. علاوه بر آن، او را متوجه می کند که همه انسان ها یک منشأ دارند و مادر و پدر همگی ایشان یکی است (اداره پژوهش و نگارش تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲، ص ۸۵). قرآن کریم در این باره می فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات: ۱۰)؛ «به راستی اهل ایمان برادر یکدیگرند، بنابراین شما میان برادران خود اصلاح و آشتی برقرار کنید و خدا را در نظر داشته باشید، امید که مورد رحمت و لطف او واقع شوید».

منظور از برادری و وحدت شیعه و اهل سنت کنار گذاشتن مسائل اختلافی و تکیه بر مشترکات و مبنا قرار دادن آن ها در تعامل با یکدیگر و در مسائل مربوط به جهان اسلام و صحنه بین المللی است؛ به گونه ای که مسلمانان فارغ از اختلافات و با پرهیز از تفرقه



در مسائل جهان اسلام همسو و هم جهت حرکت کنند. به تعبیر دیگر اختلافات مانع از اخوت اسلامی و وحدت صفوف مسلمین در برابر دشمنان نیست، از این رو معنای اتحاد شیعه و اهل سنت دست برداشتن و کوتاه آمدن از اصول و اعتقادات خویش نیست؛ بلکه در عین وجود اختلافات زمینه تعامل و جهت گیری یکسان در مسائل کلی و بین المللی ایجاد کردن است. در این خصوص مقام معظم رهبری علیه السلام فرمودند: «معنای اتحاد بین ملت های اسلامی این است که در مسائل مربوط به جهان اسلام همسو حرکت کنند و به یکدیگر کمک کنند و در داخل این ملت ها سرمایه های خودشان را بر علیه یکدیگر به کار نبرند» (خامنه ای، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۲۶۲).

در صدر اسلام و پس از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه نیز ایشان با عقد اخوت بین مردم به تحکیم وحدت اسلامی پرداختند، چراکه گروه های مختلفی با فرهنگ های متنوع در مدینه گرد آمدند و در نتیجه، از جهت اختلافات فرهنگی این گروه ها که می توانست اجتماع آنان را با مشکلاتی مواجه سازد، حاکمیت روحیه تعصبات قبیله ای و منازعات دیرینه جاهلی که هنوز در میان آنان وجود داشت، ممکن بود به بحران های سیاسی و اجتماعی بینجامد و بی آنکه از سوی دشمن خارجی اقدامی صورت پذیرد، به شکست حکومت نوپای اسلامی منجر شود تدبیر ایشان کلیدی بود. (حمیری، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۳۰۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۸، ص ۱۳۲؛ گروه پژوهش حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۲، ص ۳۵۸-۳۷۵)

#### ۴.۲.۴. امر به معروف و نهی از منکر

یکی دیگر از عواملی که برای رسیدن به وحدت اسلامی وجود دارد امر به معروف و نهی از منکر است. پروردگار متعال در بسیاری از آیات به امر به معروف و نهی از منکر سفارش کرده است و این دو فرضیه در حقیقت به منزله ی یک پوشش اخلاقی اجتماعی برای محافظت جامعه است، زیرا اگر این مسأله در میان نباشد، عوامل مختلفی که دشمن بقای «وحدت و همبستگی اجتماعی» است، ریشه های اجتماع را خواهند خشکاند و آن را از هم متلاشی می سازد؛ بنابراین حفظ همبستگی بدون نظارت عمومی صالحان ممکن نخواهد بود. خداوند متعال عمل به این دو فرضیه را یکی از صفات مؤمنان دانسته و می فرماید:

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ» (توبه: ۷۱)؛ «و مردان و زنان با ایمان دوست و یاور و سرپرست یکدیگرند، به هر کار نیک (از نظر عقل و شرع) فرمان می‌دهند و از هر کار زشت (از دیدگاه عقل و شرع) باز می‌دارند و نماز را برپا می‌کنند».

در همین سوره خداوند یکی از صفات منافقان را تفرقه افکنی دانسته که برای عملی ساختن این عمل زشت خود (تفرقه افکنی) به عکس از امر به معروف و نهی از منکر استفاده می‌کنند: «الْمُنْفِقُونَ وَالْمُنْفِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ» (همان: ۶۷)؛ «مردان و زنان منافق برخی از برخی دیگرند (با هم پیوند اعتقادی و عملی دارند) به کار ناپسند فرمان می‌دهند و از کار پسندیده باز می‌دارند». این دو آیه تفاوت دو گروه را که یکی اهل ایمان و همبستگی‌اند و دیگری اهل نفاق و تفرقه، در انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر و ترک آن می‌داند.

در آیه دیگر خداوند خطاب به مسلمانان می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» (آل عمران: ۱۱۰)؛ «شما (مسلمان‌ها) بهترین گروهی هستید که (از جانب خدا) به مردم (جهان) پدیدار شده‌اید، به کار پسندیده امر می‌کنید و از کار زشت باز می‌دارید و به خدا (در آنچه نازل کرده) ایمان می‌آورید». در این آیه خداوند متعال بهترین امت بودن را منوط به انجام امر به معروف و نهی از منکر دانسته و جماعتی را امت خطاب کرده که ما بین اعضا و افراد آن یک همبستگی و وحدتی وجود داشته باشد. اگر این سبب‌ها از بین برود، اولاً این امت اتحاد خود را از دست داده و همبستگی آن‌ها از بین می‌رود؛ ثانیاً فضیلت این امت از بین خواهد رفت. همه‌ی این‌ها نشانگر اهمیت و محوریت امر به معروف و نهی از منکر در همبستگی است (موسوی، ۱۳۹۰: ص ۸۹). قرآن سپس به مسلمانان هشدار داده است تا مانند دیگر ملت‌ها که در دینشان دچار چنددستگی شدند، پراکنده نشوند: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ» (آل عمران: ۱۰۵)؛ «مانند کسانی نباشید که پس از آنکه نشانه‌های روشن به آنان رسید، پراکنده شدند و اختلاف کردند».

آیات فوق حاکی از آن است که انجام فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر در برقراری اتحاد و پیش‌گیری از تفرقه، نقش مؤثری دارد. از این رو، برخی مفسران در اشاره به فلسفه نظم و ترتیب این آیات و تبیین رابطه امر به معروف با مسئله همگرایی، اتحاد و یگانگی را همانند جان می‌دانند که اعضای پراکنده‌ی جامعه اسلامی را به امتی واحد تبدیل می‌کند و فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر را عاملی نقش آفرین می‌دانند که این یگانگی را حفظ می‌کند و به رشد و استواری وحدت می‌افزاید. با کنار هم قرار گرفتن این آیات نتیجه می‌گیریم که امر به معروف و نهی از منکر یکی از محورهای همبستگی است؛ زیرا از دشمنان نمی‌شود انتقام گرفت مگر با اتحاد و همبستگی و دین سالم نمی‌ماند مگر با اقامه فرایض، و قرآن کریم می‌خواهد بفهماند که همواره باید از طریق دعوت به صلاح و خوبی و امر به معروف و باز داشتن از زشتی‌ها، وحدت جامعه پایدار بماند.

همچنین انتقاد و نقادی یک امر طبیعی است و تنها چیزی که این انتقاد را به روش صحیح ترسیم می‌کند، امر به معروف و نهی از منکر است: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ» (توبه: ۷۱)؛ «و مردان و زنان با ایمان دوست و یاور و سرپرست یکدیگرند، به هر کار نیک (از نظر عقل و شرع) فرمان می‌دهند و از هر کار زشت (از دیدگاه عقل و شرع) باز می‌دارند و نماز بر پا می‌کنند». از این آیه به دست می‌آید که اگر مسلمانان نسبت به باورها و رفتارهای یکدیگر نقدها و اعتراضاتی هم داشته باشند، راه منطقی و قرآن‌پسند آن استفاده از ابزار امر به معروف میان خودشان است.

امر به معروف و نهی از منکر دارای مراحل سه‌گانه‌ای است که آن‌ها را فهرست وار بیان می‌کنیم: مرحله اول آن است که انسان قلباً از این که معصیت خدا شود ناراحت باشد و کار خلاف را در روح خود منکر بداند و از آن متنفر باشد (موسوی، ۱۳۹۰: ص ۹۱). مرحله دوم آنکه امر به معروف با زبان به شخص خاطی هشدار دهد و به خوبی‌ها سفارش کند، البته این گفتار باید ملایم و لین باشد، همانطور که خداوند می‌فرماید: «وَمَنْ أَحْسَنَ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (فصلت: ۳۳)؛ «و چه کسی خوش‌گفتارتر است از

آن کس که به سوی خدا دعوت کند و عمل شایسته به جا آورد و (از عمق دل) بگوید همانا من از تسلیم شدگانم». مرحله سوم آن است که اگر بیان اثر نکرد، با قدرت جلوی عمل خلاف گرفته شود.

پس نظر به استناد به قرآن، امر به معروف و نهی از منکر، عاملی برای انسجام هستند که اگر به نحو مطلوب هم صورت گیرند وحدت و انسجام را بین مسلمانان بیشتر تقویت خواهد کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ج ۵، ص ۲۹۷). آیت الله مکارم شیرازی در فرازی از تفسیر ۱۰۴ آیه آل عمران آورده است که امر به معروف و نهی از منکر، پوششی اجتماعی برای محافظت جمعیت است، زیرا اگر مسئله امر به معروف و نهی از منکر در میان نباشد عوامل مختلفی که دشمن بقای «وحدت اجتماعی» هستند، همچون موریانه از درون، ریشه‌های اجتماع را می‌خورند، و آن را از هم متلاشی می‌سازند، بنابراین حفظ وحدت اجتماعی بدون نظارت عمومی ممکن نیست! (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ج ۲، ص ۳۵).

پذیرش چنین نقش مؤثری برای این امر به معروف و نهی از منکر از سوی مفسرین، شاید بدان سبب باشد که یکی از دلایل پراکندگی و تفرقه در دین، هواپرستی افراد و گروه‌ها است و امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند مانع رهیافت و رواج چنین انحرافات باشد.

### ۳.۴. شیوه آموزش

عامل موثر دیگر در وحدت فرهنگی، شیوه آموزش است که با روش‌های ذیل می‌تواند در ایجاد تمدن نوین اسلامی مؤثر واقع شود.

#### ۱.۳.۴. تغییر در شیوه‌های آموزشی و منابع درسی

از شیوه‌های دستیابی به وحدت برای وصول به تمدن نوین اسلامی، تغییر در روش‌های آموزشی و منابع درسی مسلمانان در مدارس و دانشگاه‌ها است. افزون بر اینکه پیش فرض چنین تمدن سازی این است که همه این ذخایر و ثروت‌های عظیم انسانی و طبیعی به جهان اسلام تعلق دارد و روا نیست که مسلمانان از این ثروت‌ها و داشته‌های غنی خود غافل یا بی‌اطلاع باشد؛ چرا که بی‌اطلاعی از این ذخایر، بی‌هویتی و احساس عدم

تعلق به گذشته را در پی دارد (مهرنیا، ۱۳۹۶: ص ۳۳). باید در مدارس و دانشگاه‌های اسلامی تاریخ و جغرافیای طبیعی و اقتصادی اسلام به طالبان علم و معرفت تعلیم داده شود تا بر داشته‌های خود بی‌بالند و بر نداشته‌های خود نیز چاره‌ای بیندیشند. گرچه در کنار این تعلیمات می‌توان بحث‌ها و مناظرات علمی دوستانه در میان علما و دانشمندان مسلمان درگیر و موجبات ارتقاء سطح دانش و آگاهی آنان و همین‌طور رفع اختلافات عقیدتی را فراهم آورد (ابوزهرة، ۲۰۰۸: ص ۲۸۰).

افزون بر این، تنظیم و به کارگیری یک تقویم اسلامی واحد لازم و ضروری است تا مسلمانان در این زمینه بی‌نیاز از بیگانگان باشند. استفاده از صنعت توریسم و گردشگری، راه اندازی چیزی شبیه به ویزای شنگن در جوامع اسلامی به منظور تسهیل در رفت و آمد مسلمانان به بلاد یکدیگر، از دیگر اقدامات تأمینی برای معارفه و آشنایی مسلمانان با فرهنگ و تمدن همدیگر است. همچنین موسم حج و حضور همزمان میلیون‌ها زائر مسلمان در میعادگاه عاشقان و حریم امن الهی می‌تواند بهترین زمان و مغتنم‌ترین فرصت برای این آشنایی و تعارف و اتحاد دینی باشد (مهرنیا، همان). به تعبیر ابوزهرة: «انظروا کیف ابوحنیفه یلتقی بالامام محمد الباقر و ابنه الامام جعفر الصادق و يأخذ عنها و هو یحجّ إلى بیت الله الحرام.» (همان، ص ۲۸۲).

#### ۲.۳.۴. آگاهی بخشی به جامعه

از جمله موارد آگاهی بخشی به جامعه می‌توان به فعالیت سید جمال در افغانستان به کمک امیر شیر علی خان در سال ۱۲۹۰ در تأسیس نشریه شمس النهار اشاره کرد. همچنین انتشار نشریه معلم شفیق در هندوستان با همکاری محب حسین و تأسیس روزنامه جبل المتین و ضیاء الخاقین در لندن (به سال ۱۳۰۹ ق) به زبان عربی و انگلیسی و نیز انتشار روزنامه‌های متعدد در مصر و سپس روزنامه عروه الوثقی در اروپا از جمله این موارد است (مهرنیا، همان).

#### ۳.۳.۴. مباحثه محترمانه علمی اختلافات

در مسئله تقریب مذاهب نباید منشأ تنش را نادیده گرفت؛ بلکه برعکس باید مستقیماً

با آن روبرو شد. یکی از مهم‌ترین راهکارهای همگرایی و تقریب، مباحثه بر متفرقات با حفظ احترام متقابل به یکدیگر است. این راهکار بیان می‌کند، بررسی علمی این اختلافات همراه با حفظ احترام متقابل، می‌تواند عامل تقریب باشد؛ چراکه اولاً دو فرد و یا دو جامعه و یا دو مذهب ممکن است تفاوت‌ها و تمایزاتی داشته باشند، پس راه همگرایی و مسالمت‌آمیز این است که نسبت به هم روابط احترام‌آمیز متقابل داشته باشند. ثانیاً منبع رجوع در موارد اختلاف مسلمانان، یکی و با یک زبان است که زبان قرآن و رسول اکرم ﷺ است. ثالثاً منطق مستدلی در پس مذاهب اسلامی نهفته است که گفتگوی علمی در موارد اختلاف را اثربخش می‌گرداند. این روش درصدد است تا شناختی واقعی، مبتنی بر بحث و بررسی‌های عقلانی و ادله علمی و منطقی در کمال احترام به دست دهد تا مسلمانان در سایه آن، سوءظن‌ها را از بین ببرند و تابع تفکر، علم و برهان منطقی گردند، به هم نزدیک شوند و از تفرقه پرهیزند و قطعاً بنایی که بر پایه استوار علم و تفکر برپا شود، بنایی نیست که کسی را یارای صدمه زدن به آن باشد؛ از این رو این راهکار نیز می‌تواند همگرایی و تقریب مذاهب میان شیعه و سنی را افزایش دهد (منتظران جاوید، ۱۳۹۶، سی و یکمین اجلاس وحدت اسلامی)

### نتیجه‌گیری

۱. وحدت اسلامی عبارت است از همکاری و تعاون پیروان مذاهب اسلامی بر اساس اصول مسلم و مشترک اسلامی و اتخاذ موضوع واحد برای تحقق اهداف و مصالح عالیه امت اسلامی و موضع‌گیری واحد در برابر دشمنان اسلام و احترام به التزام قبلی و عملی هر یک از مسلمانان به مذهب خود. دستیابی به وحدت اسلامی در شرایط مطلوب منتهی به همکاری دولت‌ها و ملت‌های اسلامی در عرصه‌های دینی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی با ایجاد ساختارهای مناسبی خواهد شد. نیاز به اتحاد و همبستگی، لازمه‌ی حیات اجتماعی است و در سایه‌ی آن، اجتماع بشری به رشد و شکوفایی دست می‌یابد؛ چراکه ملت‌ها، در سایه همدلی و هماهنگی به اوج عزت و اقتدار می‌رسند.

۲. در فرهنگ غنی اسلام، اتحاد یک ضرورت و برای ادامه‌ی حیات اجتماع است. نیاز مسلمانان به اتحاد، حیاتی و بنیادی بوده و در محدوده‌ی تاریخی و جغرافیایی نمی‌گنجد، زیرا عظمت اسلام و مسلمین و رشد و شکوفایی جامعه‌ی اسلامی در سایه اتحاد و همبستگی محقق می‌شود. برای عملی شدن این هدف و شکل‌گیری امت واحده‌ی اسلامی که در جهت اعتلاء و عزت و افتداز اسلام است، تحقق وحدت بر محور اصول دین و مشترکات اعتقادی و همچنین در مسائل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و دامن نزدن به مسائل اختلافی در این عرصه از ضروریات است. موادی که موجبات وحدت فرهنگی مسلمین را فراهم می‌کنند عبارتند از: گفت‌وگوی وحدت بخش فرهنگی، تشکیل اجتماعات بزرگ و نشست‌های نقد و مناظرات علمی، هجرت به بلاد اسلامی برای کسب علم و دانش، احیاء زبان عربی در بلاد اسلامی، ترجمه‌ی علوم و دانش‌های مختلف به زبان عربی، چنگ زدن به ریسمان الهی، معاشرت نیکو با مخالفان، حریت و برادری، جلوگیری از تحریک احساسات و توهین به مقدسات، امر به معروف و نهی از منکر، تغییر در شیوه‌های آموزشی، آگاهی بخشی به جامعه و مباحثه محترمانه علمی اختلافات.

## منابع

### قرآن مجید

- نهج البلاغه، تصحیح سید علی نقی فیض الاسلام، تهران: موسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الاسلام، ۱۳۷۹.
۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ ششم، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱.
  ۲. ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، ۱۳۸۵.
  ۳. ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه ابن خلدون، پروین گنابادی، چاپ سیزدهم، بی جا: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۱.
  ۴. ابن موسی، ابوالحسن محمد بن الحسین، نهج البلاغه، «بی جا»: نشر بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۷۹.
  ۵. ابوزهره، محمد، الوحده الاسلامیه، بیروت: دارالرائد العربی، ۲۰۰۸ م.
  ۶. اداره پژوهش و نگارش تبلیغات اسلامی، کتاب وحدت، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۲.
  ۷. اماندادی قطب آبادی، مهدی، «واکاوی راهکارهای ایجاد وحدت میان تشیع و تسنن در تحکیم جامعه اسلامی»، مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، سال چهارم، شماره ۳۶، اردیبهشت ۱۴۰۰.
  ۸. آمدی تمیمی، ابوالفتح، غرر الحکم و درر الکلم، چاپ دوم، قم: نشر دارالکتب اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
  ۹. تسخیری، محمد علی، درباره ی وحدت و تقریب مذاهب اسلامی، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۳.
  ۱۰. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، مرکزالنشر، ۱۳۶۶.
  ۱۱. حرّانی، حسن بن علی بن شعبه، تحف العقول، چاپ هفتم، قم: موسسه فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۹۵.
  ۱۲. خامنه ای، سید علی، حدیث ولایت (مجموعه بیانات و مکتوبات رهبر معظم انقلاب اسلامی، «بی جا»): نشر انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸.
  ۱۳. سجادی، سعید، معنا و سبک زندگی از منظر قرآن، بی جا: انتشارات ترنم وحی، ۱۳۹۱.
  ۱۴. سیاح، احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۷.
  ۱۵. شرف الدین عاملی، عبدالحسین، مباحثی پیرامون وحدت اسلامی، تهران: نشر مظهر، ۱۳۸۱.
  ۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، بی جا: انتشارات دارالکتب اسلامی، ۱۳۷۴.
  ۱۷. عبدالباقی، فؤاد محمد، معجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، چاپ سوم، قم: ناشر زکّان، ۱۳۹۱.
  ۱۸. قاسمی، زهرا، سید محمد امین حسینی، «جایگاه وحدت و انسجام در اسلام با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری» فصلنامه اسلام و علوم اجتماعی، دوره ۵، شماره نهم، ۱۳۹۲.
  ۱۹. قرشی سید علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱.
  ۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، قم: نشر دارالحدیث، «بی تا».
  ۲۱. گروه پژوهش حوزه و دانشگاه، پژوهشی در سیره نبوی، تهران: نشر امیرکبیر، ۱۳۸۲.



۲۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام، بی جا: دارالکتب اسلامیه، ۱۴۰۳ ق.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، حياه القلوب، بی جا: انتشارات سرور، ۱۳۸۴.
۲۴. محدثی، جواد، فلسطین، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
۲۵. محمد بن علی، شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، بی جا: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۴ ق.
۲۶. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دائره المعارف قرآن کریم، چاپ سوم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
۲۷. معادیخواه، عبدالمجید، فرهنگ آفتاب، تهران: انتشارات ذره، ۱۳۷۲.
۲۸. معلوف، لویس، المنجد، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۸۰.
۲۹. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، چاپ دوم، بی جا: انتشارات نامن، ۱۳۸۶.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، و همکاران، تفسیر نمونه، چاپ سی و ششم، تهران: ناشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶.
۳۱. منتظران، جاوید، «راهکارهای همگرایی و تقریب مذاهب اسلامی در جهت عبور از بحران‌های جهان اسلام و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی»، سی و یکمین اجلاس وحدت اسلامی، ۱۳۹۶.
۳۲. مهرنیا، حسن، «ضرورت و راهکارهای وحدت مسلمانان و تشکیل تمدن نوین اسلامی»، اسفار، شماره ۵، بهار و تابستان ۱۳۹۶، ۲۳-۴۲.
۳۳. موسوی، موسی، عوامل و آسیب‌های وحدت اسلامی از منظر قرآن، چاپ دوم، قم: انتشارات ابوالحسنی، ۱۳۹۰.
۳۴. میرجلیلی، سیدمحمد مهدی، «آیت‌الله بروجردی و وحدت مسلمانان»، حبل المتین، دوره سوم، شماره ششم، بهار ۱۳۹۳.
۳۵. هاجری، عبدالرسول، نشریه وفاق، ویژه نامه مسابقات قرآنی، اردیبهشت ۱۳۹۵.

